

عنوان و نام پدیدآور	جشن نامه استاد سیداحمد حسینی اشکوری به کوشش رسول جعفریان.
مشخصات نشر	تهران: نشر علم؛ قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، خانه کتاب تهران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۳۲۴ ص، مصور، نمونه.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۵۷۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	حسینی اشکوری، احمد، ۱۳۱۰ - - یادنامه ها
موضوع	نسخه های خطی - مقاله ها و خطابه ها
موضوع	مقاله های فارسی - قرن ۱۴
شناسه افزوده	جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - . گردآورنده
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ج ۵ / ح ۱۰۰۴ Z
رده بندی دیویی	۱۰/۹۲ -
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۶۷۶۷۵



جشن نامه استاد سیداحمد حسینی اشکوری

به کوشش رسول جعفریان

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

مرکز بخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمیری

بین بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۴-۵۷۲-۷

معرفی یک کتابچه دستورالعمل نویافته

صادق حضرتی آشتیانی^۱

چکیده:

فردها و کتابچه‌های سیاقی یک دسته از مستندترین منابع زیربنایی به شمار می‌روند و با توجه به باری که دارند، در فهرست‌های موجود، تنها، با ذکر چند مشخصه ظاهری معرفی شده‌اند، که غالباً با عناوین: کتابچه دستورالعمل، دفترچه حقوق و مواجب، کتابچه مقرری، کتابچه تفاوت عمل، کتابچه جمع و خرج و مانند اینها یاد گردیده‌اند، پیداست در «چنین اسنادی ارقام و اعداد در متن معمولاً با خط سیاق در دو ستون نقدی (پول) و جنسی (اوزان) نوشته می‌شد»^۱.

کتابچه جای سخن، نسخه نو یافته و نمونه نادری است با ویژگی‌های که از چند منظر می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد. در این مقاله مجال معرفی تمام برجستگی‌های آن امکان پذیر نمی‌باشد، بنابراین از درج آگاهی‌های مربوط به روستاها و جمع و خرج آن چشم پوشی می‌شود.

جز، نام نزدیک به ۱۳۰۰ روستا و اسامی بیش از ۱۲۵۰ نفر مرکب از: شاهزادگان قاجار، رجال، خوانین، ارباب قلم، پیشکاران، صاحب منصبان، عمله جات، هم چنین اشراف و اعیان ولایات مختلف و طوایف و نیز مناصب و مشاغل آنان، به ترتیب درجات دولتی و طبقات درباری ثبت گردیده، از این رو نسخه‌ای پر برگ و بار به حساب می‌آید و آگاهی‌های ذی قیمتی را در سال‌های آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار بدست می‌دهد. که نام بعضی از ایشان کمتر در منابع معاصر دیده شده است، این مقاله رویکردی به ویژگی و شاخصه‌های آن دارد.

واژگان کلیدی:

کتابچه دستورالعمل، شاهزادگان، اعیان و اشراف، مستوفیان، صاحب منصبان، سیاق، میرزا یعقوب خان، روستا، طبقات درباری.

۱. پژوهشگر و مصحح متون، ایران، آشتیان.

مشخصات کتابچه:

خط، شکسته نستعلیق، اعداد به سیاق
کاتب و تاریخ کتابت: نامعلوم
عناوین: در حاشیه با مرکب مشکی، مطالب و نوشته‌ها داخل جدول به زر و شنگرف و
مشکی
وضعیت: سالم
بدون جلد، کاغذ نخودی، آهار دار، ۶۳ گ، س متفاوت، اندازه نوشته‌ها: ۱۱ × ۱۹، ۱۵ ×
۲۲ سم
مالک: متعلق به مجموعه شخصی^۲

معرفی کتابچه دستورالعمل (= بودجه):

همان‌طور که پیش‌تر یاد گردید، در این نسخه آگاهی‌های تازه‌ای در شناخت، رجال
سیاسی و نظامی، ارباب قلم و مستوفیان ولایات و... گردآمده، از این رو داده‌های تذکره
مانند آن حائز اهمیت فراوان است.

در حاشیه پاره‌ای از صفحات، عنوان طبقات براساس درجات دولتی و درباری مبوب
شده، که بعضی از آن‌ها با عنوان کلی به گروه‌های کوچکتری تقسیم شده‌اند، حتی گاهی
در مطاوی متن به مشاغلی مانند «خاصه تراشان» بر می‌خوریم که زائیده مشاغل جمعی
است. اما هیچ‌کدام از گروه‌هایی که زیر مجموعه یک عنوان کلی هستند، روال و ترتیب
درستی ندارند. از صفحه آغاز تا انجام نسخه مقابل هر عنوان، در متن، ابتدا جمع کل در دو
ستون به صورت نقد (پول) و جنس (اوزان)، سپس اسامی اشخاص و مالیات هر یک از
روستاها (خالصه) به تفکیک، زیر نام مالکین آن نگاشته شده و در نتیجه مجموع اقلام ریز
با مبلغ کل صدر صفحه برابر و یکسان می‌شود. مگر در مواردی که آن شخص به دلیلی
مشمول تخفیف حکومتی قرار گرفته باشد. در این جا برای آشنایی به یک فقره آن اشاره
می‌گردد.

مهد علیا: جمع کل: هزار و نهصد و هشتاد تومان و هفت هزار پانصد دینار،

از بابت: خسرو شاه (تبریز) هزار تومان،

از بابت: دستجرده (دهخوارقان) هشتصد و هفتاد و پنج تومان و هفت هزار و پانصد دینار،

از بابت: میان کتاب (مازندران) به اسم آقا بابا بیک صد و پنج تومان،

به اسم آقا بابابیک و [غفور] شصت و سه تومان،

از مهم‌ترین برجستگی‌های کتابچه همین اطلاعات درون طبقه‌ای است، که مطالب پی
درپی آن به این شیوه معرفی شده‌اند:

معرفی یک کتابچه دستورالعمل نویافته / صادق حضرتی آشتیانی / ۴۱۹

عنوان طبقه / ذکر نام یک یا چند نفر از هر گروه، (بدون سبک و سنگین کردن آنها) /
عددی که نشان دهنده جمع افراد آن طبقه است.

تفصیل عناوین:

- ۱ - سرکاران عظام مرکب از: مهد علیا، سرکار ولیعهد، نایب السلطنه و عمله جات آنان،
علی خان نسقچی باشی، محمدحسن خان ایشک آقاسی باشی / ۱۲ نفر
- ۲ - اولاد خاقان مغفور: منسوبان ملک قاسم میرزا، کیومرث میرزا، شاپور میرزا، / ۲۹ نفر
- ۳ - امیرزادگان و والدان شاهزادگان: محمدمحسن میرزا، طهماسب میرزا، اسکندرمیرزا،
/ ۲۷ نفر
- ۴ - صبايا و خادمان خاقان مغفور: میرزا اسمعیل ولد میرزا خانلر / نواب تاج الدوله، /
۱۶ نفر
- ۵ - اولاد ولیعهد میرور: بهرام میرزا، فرهادمیرزا، حمزه میرزا، / ۱۷ نفر
- ۶ - صبايا و خادمان ولیعهد میرور: والده نواب و منسوبان نجف قلی خان دنبلی / ۷ نفر
- ۷ - امرای (آقایان) قاجار: جناب اصف الدوله، محمدولی خان ولد دیگلریگی، آقا میر
محمد مهدی امام جمعه طهران، ملا صالح برغانی مجتهد قزوینی، عباس خان حاکم استر
آباد، میرزا شفیع صدر (۷۸ نفر)
- ۸ - خوانین قاجار: مرتضی قلی خان سپانلو، شیرقلی خان شیبانی، نیازقلی خان و تقی
آقا و جعفرقلی والدان صادق خان قاسملو، / ۴۵ نفر
- ۹ - وظایف خورقاجار: حاجی محمدحسین خان خالوی عبدالله میرزا / ۱۸ نفر
- ۱۰ - ادبای حضرت = امنای دولت: جناب حاجی مدظله العالی، صدرالممالک، میرزا
محمدحسین صدردیوان، معیرالممالک، سهراب خان صندوقدار / ۱۱ نفر
- ۱۱ - امرای بار: عالی جاه منوچهرخان معتمدالدوله، محمدصادق خان دنبلی،
غلامحسین خان سپهدار / ۱۲ نفر
- ۱۲ - اطباء و منجمین و شعراء و علما: میرزا بابا حکیم، میرزا احمد طبیب افشار،
میرزا حسین منجم اصفهانی، میرزا نشاطی، حاجی امین جراح / ۱۷ نفر
- ۱۳ - ارباب قلم = ملتزمین دربار حضرت اقدس: مستوفی الممالک، قوام الدوله، منشی
الممالک، میرزا احمد مستوفی، میرزا اسمعیل مستوفی گرگانی، میرزا صالح شیرازی،
میرزا محمدعلی مشرف جبّه خانه / ۶۰ نفر
- میرزاهای متوقف ولایات:
- ۱۴ - میرزاهای متوقف آذربایجان / ۱۷ نفر

- ۱۵ - میرزاہای سایر ولایات: میرزا اسماعیل تفرشی، میرزا احمد وقایع نگار و مظالم نویس، میرزا تقی مستوفی نظام، / ۳۳
عملہ جات:
- ۱۶ - عملہ حضور: محمد قلی خان ایشک آقاسی باشی، میرزا آقا ناظر در ب حرم / ۲۱ نفر
- ۱۷ - عملہ خلوت: میرزا غلام شاہ، اللہ وردی بیک مہر دار، محمد اسماعیل بیک / ۱۲ نفر
- ۱۸ - عملہ اصطبل: محمد خان امیر آخور، علی خان امیر آخور سابق، شاہ محمد بیک جلو دار، آقاسی خان قوشچی باشی، / ۱۱ نفر
- ۱۹ - عملہ بیوتات: اسماعیل خان فراشباشی، استاد جعفر معمار باشی، استاد حسن خیاط باشی، / ۷ نفر
- ۲۰ - عملہ در ب حرم: میرزا زین العابدین باسمہ چی، عبد اللہ خان معمار باشی، / ۱۱ نفر،
- ۲۱ - غلامان پیش خدمت: شکر اللہ بیک شاہسون، موسی خان بادکوبہ، / ۹۴ نفر
- ۲۲ - غلامان: قاسم خان قوللر آقاسی، عبد اللہ خان نورہاشمی، غلامان بسطامی، غلامان قرامانی / ۶۳ نفر
- ۲۳ - غلامان تفنگدار: میرزا محمد بیک استر آبادی، / ۷ نفر
عساکر منصورہ:
- ۲۴ - توپخانہ: حبیب اللہ خان امیر توپخانہ، اسماعیل خان نایب / ۸ نفر
- ۲۵ - قورخانہ: حاتم خان شہاب الملک، حاجی محمد شریف بیک سرہنگ، / ۲ نفر
- ۲۶ - شمشال چی و زنبورک چی: حسین علی خان زنبورک چی، محمد خان امیر آخور، / ۲ نفر
- ۲۷ - پیشکاران نظام: حسین خان آجودان باشی / ۲ نفر
- ۲۸ - مہندسین و خان زادگان: میرزا جعفر مہندس باشی، محمد رضا خان ولد میرزا عبد الکریم / ۶ نفر
- ۲۹ - سرہنگ و سلاطین و یاور: محمدولی خان سرہنگ، حاجی محمد علی خان سرتیپ کزازی، سرہنگ فوج سربندی، محمد علی خان ماکویی، عباس خان یاور / ۵۸ نفر
دستجات سوار و پیادہ:
- ۳۰ - جماعت سکاک: میرزا آقا سکاک / ۳ نفر
- ۳۱ - قراچور لو و چلییانلو: جہانگیر خان قراچورلو، جعفر قلی خان سرتیپ پسر حاجی رضا، کریم خان زعفرانلو با یکصد سوار چنارانی، / ۱۸ نفر
- ۳۲ - اوصانلو: محمد صادق خان ولد محمدولی خان / ۴ نفر
- ۳۳ - عمارلو: / ۶ نفر
- ۳۴ - بغایری و غیرہ: / ۳ نفر

معرفی یک کتابچه دستورالعمل نویافته / صادق حضرتی آشتیانی / ۴۲۱

- ۳۵ - نانکلی: امامقلی خان نانکلی، / ۳ نفر
- ۳۶ - چگنی و بکشلو: سلیم خان و ابراهیم خان چگینی / ۲۰ نفر
- ۳۷ - چهار دولی: اسکندر خان چهاردولی: / ۱۵ نفر
- ۳۸ - شاهسون: حسین قلی خان سرکرده شقاقی، محمدباقرخان شاهسون / ۶ نفر
- ۳۹ - مافی و جلیوند: محمدنظرخان مافی / ۵ نفر
- ۴۰ - هداوند و دلفان: طهماسب خان سرکرده ملازم / ۳ نفر
- ۴۱ - کردبچه: غیب علی بیگ، میرزا قلی بیگ، / ۴ نفر
- ۴۲ - افشار و قرالر: عباسقلی خان افشار، محمد حسن خان خرقانی قراگوزلو / ۹ نفر
- ۴۳ - بدانلو: [?] / ۴ نفر
- ۴۴ - عرب و عجم: مرتضی قلی خان عرب / ۵ نفر
- ۴۵ - دسته سمنانی: محمدعلی خان ولد مطلب خان دامغانی، مصطفی قلی خان سمنانی / ۳ نفر
- ۴۶ - لاریجانی و غیره: / ۸ نفر
- ۴۷ - فیروزکوهی و غیره: محمدحسن خان فیروزکوهی، باقرخان هزارجریبی / ۳ نفر
- ۴۸ - مهاجرین: نورالله خان، احمدبیک طالش، میرجهانگیربیک طالش، اسکندرمیرزا والی گرجستان، ورثه محمدحسن خان پسیان / ۵۷ نفر
- خوانین و اشراف ولایات:
- ۴۹ - خوانین آذربایجان: عبدالحسین خان جوانشیر / ۲۸ نفر، اشراف و اعیان آذربایجان:
- ۵۰ - اشراف و اعیان تبریز: حاجی ملامحمدعلی مسئله دان، حاجی میرزا کاظم تبریزی، / ۳۵
- ۵۱ - خوانین اردبیل و مشکین: ملا میرزا بابا، میرزا عطاءالله خطیب باشی، ورثه علی پاشا خان مرندي / ۱۸ نفر
- ۵۲ - اعیان ارومی: حاجی میرزا امین افشار / ۷ نفر
- ۵۳ - آقایان خوی: روشن افندی، حاجی ملاحسن، حاجی میرزا مهدی خوئی / ۱۲ نفر
- ۵۴ - اشراف خلخال: آقا نصرالله ولد سیدزکی، ملا مهدی شیخ الاسلام / ۷ نفر
- ۵۵ - اشراف سراب و گرم رود: میرزا حاتم خلیفه، / ۳ نفر
- ۵۶ - خوانین قراجه داغ: محمدحسن خان، عباسعلی ولد باقرخان، ایلداربیک ولد اغورلو سلطان / ۱۳ نفر
- ۵۷ - آقایان مراغه و هشت رود: آقا حسین جوجه، آقا بیک مقدم / ۷ نفر
- ۵۸ - خوانین خراسان: محمد ابراهیم خان حاکم جوین، صبیح شاه رخ شاه متعلق به محمدحسن خان هزاره، میرزا ابوالقاسم خان آبدارباشی، / ۱۶ نفر

- ۵۹ - اشراف خراسان: حاجی میرزا اسماعیل سبزواری، میرزا محمدرضا ولد میرزا کاظم خوشنای، میرزا عسکری امام جمعه ارض اقدس، میرزا محمدرضا جلایر آقا سید میرزای اصفهانی مباشر آصف الدوله، / ۱۳ نفر
- ۶۰ - خوانین مازندران و گیلان: محمدتقی خان هزار جریبی، / ۲۳ نفر
- ۶۱ - اشراف مازندران و گیلان و آسترآباد: آقارحیم شیخ الاسلامی، ورثه میرزا محمد، کلانتر ساری، میرزا عبدالرسول پیش نماز ساری، / ۳۲ نفر
- ۶۲ - خوانین اصفهان و بختیاری: حاج محمدزمان خان، محمدتقی خان بختیاری، / ۶ نفر
- ۶۳ - اشراف اصفهان: میرزا زین العابدین اولاد صفویه وزیر موقوفات، آقا سید حسین امام جمعه، جناب سلطان العلمائی حاجی میرزا حسن، آقا میر محمد صادق واعظ، میرزا عبدالله صدر کرمانی، / ۳۶ نفر
- ۶۴ - خوانین بروجرد، ملایر، نهاوند و تویسرکان: لطف علی خان ملایری، میرزا زین العابدین ولد میرزا محمدحسین بروجردی: محمدحاتم خان ملایری، حاجی ملا اسدالله مجتهد بروجرد، / ۳۶ نفر
- ۶۵ - خوانین همدان و قراگوزلو: حاج امیراصلاح خان، میرزا هاشم خان قراگوزلو، بهرام خان نایب ایشک آقاسی، لطف علی خان زنگنه، / ۱۲ نفر
- ۶۶ - اشراف همدان و قراگوزلو: ورثه حاجی اسماعیل درجزینی، میرزا ابوالقاسم همدانی ملقب به ذوالریاستین، / ۲۰ نفر
- ۶۷ - خوانین خمسه و گروس: لطف علی خان قراجیه لو، موسی خان و علیقلی خان گروسی، / ۱۱ نفر
- ۶۸ - خوانین و اشراف طهران: / ۲ نفر
- تفصیل اسامی سپاه ظفر پناه رکابی تیولدار
- ۶۹ - خوانین قاجار: علی محمدخان دولو، محمدقلی خان قوانلو، حسین قلی خان عزالدینلو، محمدابراهیم خان سپانلو، محمدقلی خان شامبیاتی، / ۴۰ نفر
- گفتنی است، برخی از اسامی رجال و سران با هر عنوان و مقام، حتی فراتر از آن تیره و طوایفی مانند، بغایری، بکشلو، نانکلی و... که نامشان در این کتابچه به میان آمده، در منابع و کتب رجالی بویژه کتاب المأثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران)^۲ اثر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ هـ - ق) مشاهده نمی‌شود، یا اگر یادی از آنان رفته باشد، با دگرگونی و تغییر جایگاه ایشان همراه است. در همان مأخذ ذیل، توپخانه مبارکه، نام نواب والافتح علی خان به عنوان امیر توپخانه آمده، اما در کتابچه «حبیب الله خان» یاد شده، همان جا میرزا اسماعیل خان را با سمت اجودان باشی و در کتابچه «نایب» آن قلمداد شده است.

به هر حال از این قبیل تغییرات و کمبودها کم و بیش دیده می‌شود و نشان می‌دهد که باید بیشتر آگاهی‌های آن را مربوط به سال‌های آغازدهه هشتاد (نیمه دوم) سده سیزدهم هـ. ق به این سوی دانست، در این صورت اعتماد السلطنه یا نویسندگان وی به دلایلی که برما پوشیده است، برخی اطلاعات رجالی آغاز سلطنت ناصرالدین شاه را نادیده گرفته‌اند. بنابراین، اگر قصد و عمدی در کارشان نبوده، می‌توان پذیرفت که آن دسته اطلاعات دور از دسترس آنان قرار داشته است.

در این جامتذکر می‌شود که به هیچ وجه قصد نداریم، این کتابچه خرد و محدود را با کتاب المآثر و الآثار، اثری وزین و معتبر و از منابع غنی دوره قاجار - مورد نقد و سنجش قرار دهیم، مگر در بعضی موارد و رئوس که مطالب نزدیک به هم دارند. پیداست هر قدر از این قبیل کتابچه‌ها بیشتر مورد شناسایی قرار گیرند، به همان اندازه کاستی و نادرستی‌های احتمالی بعضی از منابع بیشتر رخ می‌نمایند.

در فهرست اسامی موجود، اگر از اشخاص معروف و نام‌آشنایی مانند: مستوفی الممالک، ملا صالح برغانی و نظیر آنان صرف نظر کنیم، با فهرست دیگری مواجه می‌شویم که چندان در تاریخ مشهور و شناخته شده نیستند، در این گونه موارد تاریخ محلی، اسناد مرتبط و نیز تحقیقات میدانی می‌تواند، برای ما گزینه و راهنمای مناسبی باشند، به طوری که تمام اصطلاحات موجود، روستاهای زنده و متروک و هم چنین اشخاص و بزرگان، هر کدام در جایگاه خود تعریف شوند، و یادداشت‌های رجالی به آن افزوده گردد، آن گاه مصادر خلق شده، ارزش و اهمیت چنین کتابچه‌هایی را بهتر می‌شناساند.

چون، در هیچ یک از منابع یکصدساله اخیر و نیز کتب تراجم، شرح حال میرزا یعقوب خان به میان نیامده^۵ و از طرفی احتمال می‌رود، تحریر کتابچه به خط وی باشد، در اینجا، درج چکیده‌ای از احوالش غنیمت است.

یعقوب خان آشتیانی

یکی از رجال درستکار و از دولتمردان کارآمد دوره قاجاریه و اوایل سلسله پهلوی به حساب می‌آید، وی «فرزند کربلایی رضا فرزند حاجی حسین آشتیانی (۱۳۳۱ق) است، از تاریخ تولدش آگاهی نداریم، اما وفاتش در سال ۱۳۱۷ خ، روی داد.»^۶

یعقوب در طلوع جوانی پدر خود را از دست داد و سرپرستی او را یکی از خویشاوندانش به نام میرزا خلیل «سررشته دار آهویی که در دفترخانه مبارکه دارالسلطنه تبریز سررشته دار و وظایف بود»^۷، به عهده گرفت، میرزا خلیل او را به مکتب و درس رهنمون ساخت و دلسوزانه در رشد و تربیتش کوشید، بعد از پایان یافتن دوره تحصیلات به دلیل برخورداری از خط و ربط خوب، بویژه سیاق نویسی، به عنوان عزب^۸ دفتر در دستگاه مالیه تبریز مشغول به کار شد، بعد از مدتی به فکر تشکیل خانواده افتاد و با دختر میرزا خلیل به نام زرین تاج خانم پیمان زناشویی بست.

چند سال بعد به دلیل کاردانی و تلاشی که در حیطه کاری از خود بروز داد، اداره مالیه اردبیل باوتفویض شد و به مقام بالاتری ارتقاء یافت، به همین خاطر با خانواده به آن شهر کوچ نمود و مالیه آن جا را که از مدت‌ها قبل مغشوش گردیده بود، سر و سامان داد. میرزا یعقوب مردی دانشور و ادب دوست به شمار می‌آید، مانند اجدادش خط را زیبا می‌نگاشت، از او آثار قلمی پراکنده‌ای به صورت نظم و نثر بجا مانده^۹، یکی دیگر از ویژگی‌های بارزش - که نمی‌توان از ذکرش درگذشت - محبت بیکران و شیفتگی بی‌امان او به ساحت پاک اهل بیت علیهم‌السلام بود.^{۱۰}

صاحب ترجمه عاقبت بر اثر عارضه قلبی ناشی از کار و کوشش بی‌وقفه در شهر اردبیل دعوت حق را لبیک گفت و پیکرش را به قم انتقال دادند و در جوار امامزاده علی بن جعفر علیه‌السلام آن جا به خاک سپردند.

وی در زمان حیات همزمان دو همسر به نام زرین تاج^{۱۱} و معصومه در خانه داشت، از همسر اولی صاحب پنج فرزند و از دومی یادگاری نماند.^{۱۲}

منابع و پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - کوششی در آموزش خط سیاق، جواد صفی نژاد، ص ۹، چاپ اول، انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۷، تهران.
- ۲ - در این فرصت لازم می‌داند، از سرور بزرگوارجناب آقای حاج هاشم کاظمی آشتیانی که با لطف و فروتنی فراوان مجموعه خطی خود را در اختیار نگارنده قرار دادند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری نماید.
- ۳ - چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج اول المائروالآثار، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به کوشش ایرج افشار، ص ۳۵۵، چاپ اول، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳ تهران.
- ۴ - همان، ص ۳۵۶.
- ۵ - به تصور نگارنده کتابچه جای سخن بدست میرزا یعقوب خان به نگارش درآمده، زیرا، این نسخه در جمع کتب و اسناد و اموال وی جای داشته، همین طور قلم کتابچه با خط چند نسخه خطی که وی نگاشته، نزدیک بهم است، و از طرفی هر کتابچه جمع و خرجی را که مستوفیان و سر رشته داران می‌نوشتند، رسم براین بود، نسخه‌ای از آن را نزد خود نگاه می‌داشتند، اما با وجود چنین دلایل، نمی‌توان نظر قطعی داد و نیاز به تحقیق و بررسی بیشتری دارد.
- ۶ - نخعی، شهرت خاندان ریشه دار و پرباری در تاریخ ایران است، که نسب آنان به مالک اشتر نخعی، صحابه با وفا و دلیر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رسد، بزرگان زیادی در

معرفی یک کتابچه دستورالعمل نویافته / صادق حضرتی آشتیانی / ۴۲۵

عرصه سیاست و دانش از این دودمان برآمده اند، میرزا یعقوب متعلق به همین نهاد است، که در اواخر خدمت، نام خانوادگی «فکری آشتیانی» را برای خویش برگزید، شهرت؛ شاهنده، انتخابی «شاخه‌های دیگر خاندان نخعی هستند.

۷ - رجال و مشاهیر آشتیان، صادق حضرتی، با مقدمه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، ص ۱۵۹، چاپ اول، انتشارات الماس، ۱۳۸۲،

۸ - عزب دفتر: محرر، نویسنده، آنکه در دفتر محاسبات شغل مخصوصی ندارد (فرهنگ معین، دکتر محمدمعین، ص ۲۲۹۸، ج ۲، چاپ ششم انتشارات امیرکبیر،

۹ - آثار خطی وی چنین است: المعجم فی آثار ملوک العجم، از: شرف الدین فضل الله بن عبدالله حسینی قزوینی (نزدیک ۷۴۰ هـ ق)، در تاریخ به فارسی، به خط نستعلیق شکسته، میرزا یعقوب آشتیانی در تاریخ ۱۳۲۷ هـ ق

✓ [اخلاق] کتابی در...، مولف ناشناخته، دارای مقدمه و پنج باب و خاتمه، به فارسی، خط نستعلیق یعقوب ابن کربلائی رضا ابن حاجی حسین آشتیانی در ۲۴ ذی حجه الحرام ۱۳۲۱ هـ ق،

✓ کتابچه دستورالعمل، رک: به همین مقاله حاضر

✓ حدود ۳۵ برگ، متضمن اشعار، قطعات و اندرزهای حکیمانه به خط شکسته و به شیوه راسته چلیپائی،

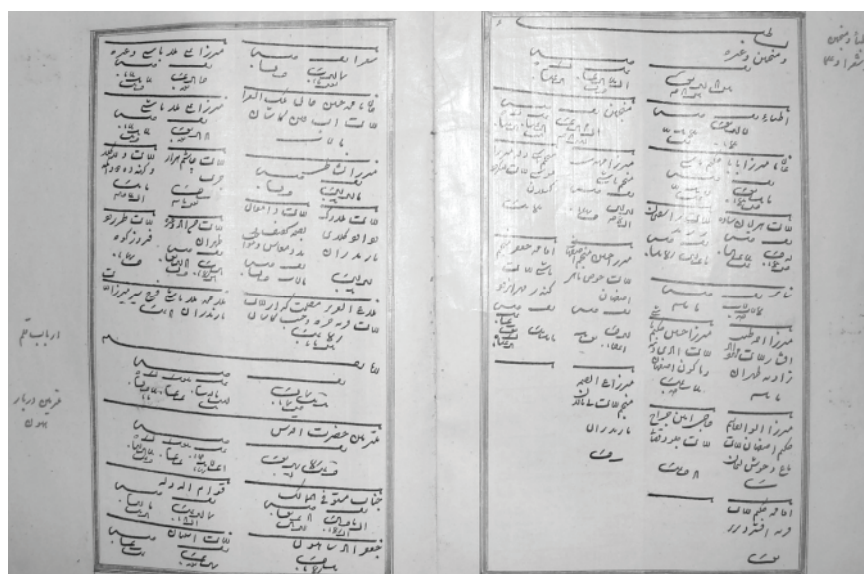
۱۰ - نامبرده در ایام حیات خود، هرگاه به مجلس مرثیه خوانی و عزاداری مولایش می‌رفت، با حالت غریبی که داشت، یکی از آن دستمال‌های مخصوصی را که قبلاً فراهم آورده بود، از جیب بیرون می‌آورد و اشک‌های غلتانش را با آن می‌سترد، بعد آن را با آدابی مخصوص بایگانی می‌کرد، قبل از این که مرگش فرا برسد، وصیت کرده بود، که تمام پارچه‌های پاک و آغشته به اشک و انباشته به مهرش را بدوزند و جامه آخرتش سازند، بی‌تردید، شیفتگی و پیچیدگی روانش زائیده تغزل و عشقی عارفانه است، که در وصف نمی‌گنجد.

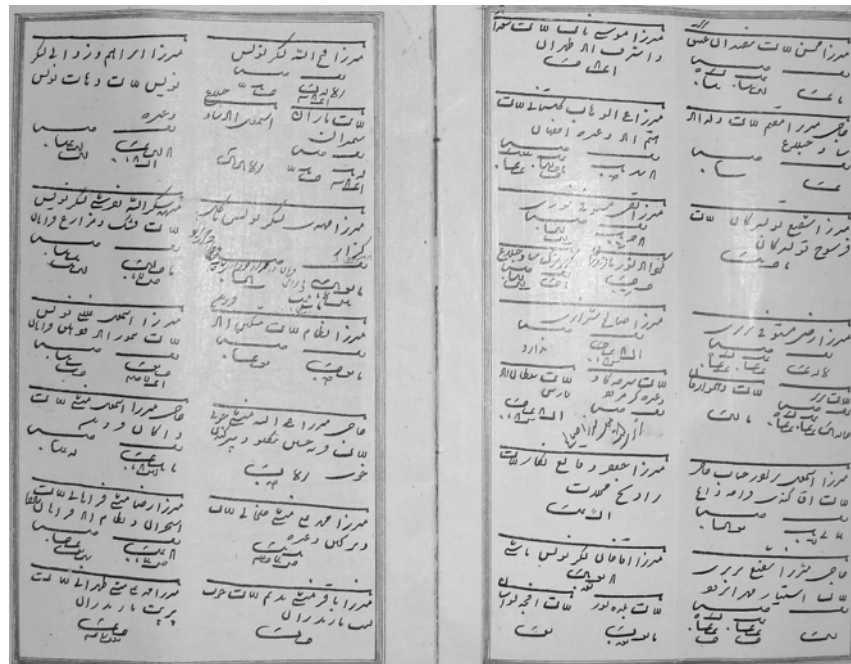
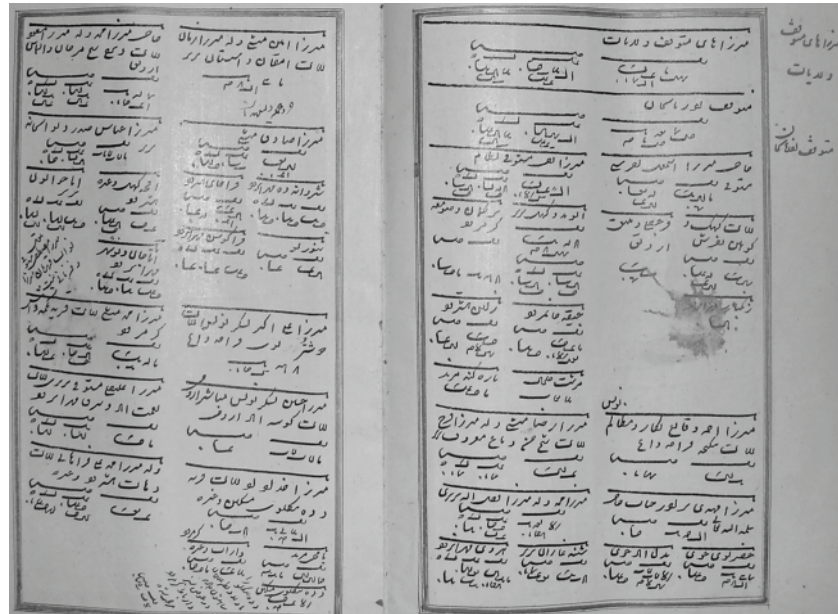
۱۱ - صبا یای وی عبارتند از: عالم تاج خانم، فخرالتاج خانم، طلعت تاج خانم، عزت تاج خانم، تنها فرزند ذکورش به نام «موسی»، یکی از چهره‌های برجسته و مردمی دوره پهلوی اول شمرده می‌شود، که بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی به مشاغل و مدارج مهمی رسید، خدماتش به صنعت کشاورزی، آبرسانی شهرهای خوزستان و دیگر شهرهای محل خدمتش، فراموش خاطر مردم قدرشناس آن مناطق نخواهد شد، استانداری استان سیستان و بلوچستان، آخرین سمت او به حساب می‌آید، مهندس فکری در سال ۱۳۲۳ خ با خانم میهن دخت پارسی تبار (دختر سلطان حسین پارسی تبار، افسر نیروی زمینی رضا شاه) پیمان زندگی بست، مادر وی به نام پوران دخت از افراد خاندان بوجاقچی است، که امروزه نوادگانش در تهران، سیرجان و کرمان پراکنده اند، یکی دیگر از نوادگان بوجاقچی عروس

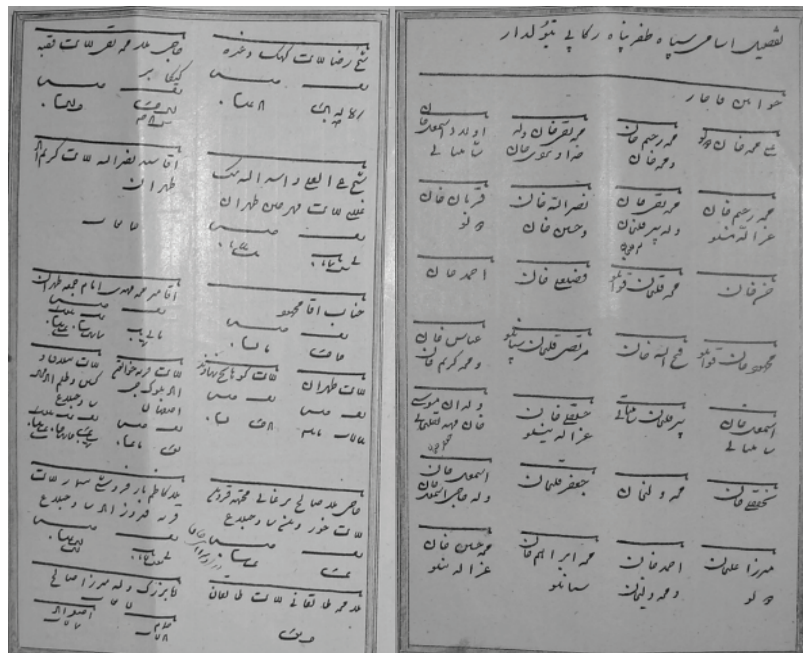
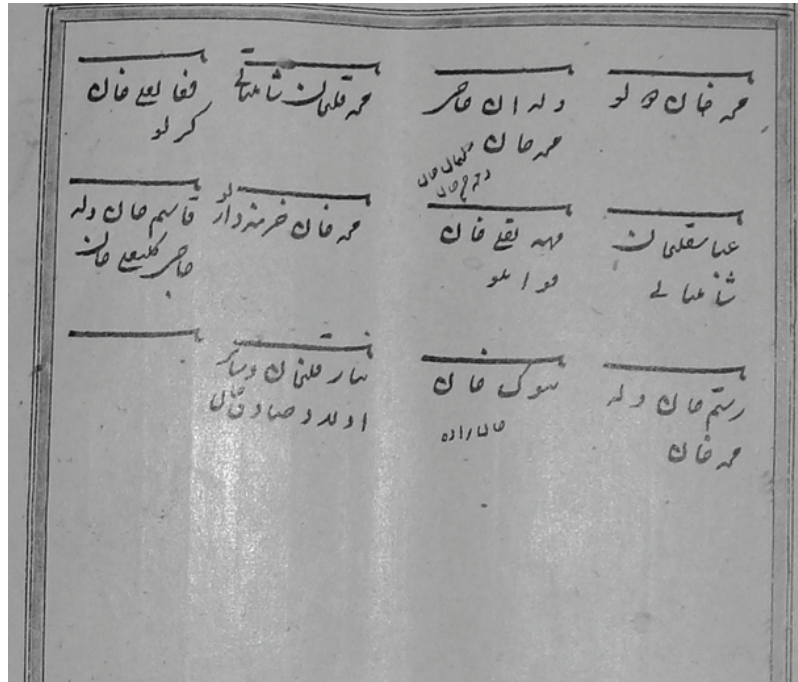
کربلایی عباسعلی گمرچی - رئیس گمرکات ایران در دوره قاجار- بوده، که سقا خانه آن هنوز در خیابان البرز موجود است.

۱۲ - چند سال بعد از انقلاب بلشویکی در روسیه تزاری، مسلمانان قفقاز که سخت پای بند اعتقادات مذهبی خود بودند، و یارای پذیرش فرهنگ دیکتاتوری پرولتاریا را در خود نمی‌دیدند، از سرناچاری جمعیتی در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ، خان و مان خود را رها کرده، راهی بعضی از شهرهای شمالی ایران، از جمله تبریز شدند، در این میان زنی مسلمان به نام معصومه خانم که سیمایی خوش و سیرتی پاک داشت، در مجلس عزاداری با زرین تاج خانم آشنایی پیدا کرد، دوستی و معاشرت این دو به دراز کشید، زرین تاج خانم که زنی روشن ضمیر و در آداب و عقاید دینی از تقیدی برخوردار بود، در این مدت به نجابت و اصالت وی پی برده بود، دریافت، اگر این زن در اجتماع نابسامان آن روز تبریز رها باشد، بی‌تردید به انحراف و فساد کشیده می‌شود، این افکار مدتی زرین تاج خانم را آزار روحی می‌داد، تا این که به شوی خود پیشنهاد کرد او را (معصومه) به حباله نکاح خود درآورد، در بدو امر، میرزا یعقوب سربازمی زد، اما زرین تاج آن قدر پافشاری کرد و از موقعیت نامطلوب معصومه برایش گفت، تا بالاخره، میرزا یعقوب تن به پیوند داد و او را به عقد خویش درآورد، سرانجام خیال آشفته، اما خردمندانه زرین تاج از تنهایی و بیکسی زنی مسلمان و مهاجر آسوده گشت.

تصویر چند صفحه از کتابچه







نسخه‌ای نفیس از مثنوی معنوی از شیراز سده سیزدهم

سید محمدحسین حکیم^۱

مثنوی معنوی مولوی از زمان سرایش تاکنون همواره مورد توجه هنرمندان بوده و همین امر باعث شده تا نسخه‌های پرآرایش و نفیس فراوانی از آن بر جای بماند. یکی از این نفایس دستنویسی است که به شماره ۲۱۱۲۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و تمام کارهای کتابت و تذهیب و جلدسازی آن در شیراز سده سیزدهم انجام گرفته و در واقع نمایانگر هنر قاجاری این شهر است. در واقع به قرینه آن که کاتب و صحاف نسخه شیرازی‌اند می‌باید دیگر مراحل فراهم‌سازی نسخه مانند ساخت کاغذ و مرکب را نیز اثر هنرمندان این شهر دانست.

در این جا برای معرفی نسخه، نخست به شرح حال و دیگر آثار محمدابراهیم منعم شیرازی (کاتب نسخه) و آقا لطفعلی صورتگر شیرازی (صحاف آن) اشاره می‌کنیم و سپس مشخصات خود نسخه.

محمدابراهیم منعم شیرازی

از زندگی کاتب نسخه یعنی محمدابراهیم بن محمدعلی بیگ منعم شیرازی اطلاع زیادی نداریم. پدرش پیشخدمت حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بود و بعد از درگذشت پدر و انقلاب امور فرمانفرما، در انزوا روزگار گذراند. منعم روحیه درویشی داشت و «دست ارادت به مرحوم سکوت^۲ داده» بود.^۳ نستعلیق را خوب می‌نوشت و «معیشت خود را از نگاشتن کتاب می‌داشت»^۴ و در خط شاگرد وصال شیرازی بود.^۱ بنا بر نوشته میرزا حسن فسایی در محله شاه شیراز می‌زیست و از اعیان آن جا به شمار می‌رفت.^۲

۱. پژوهشگر و فهرست‌نگار، ایران، تهران.

۲. میرزا ابوالقاسم شیرازی معروف به سکوت (۱۲۳۹ق). برای شرح حال او رک: طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۲۴۷-۲۴۹.

۳. طرائق الحقائق، معصوم علی شاه شیرازی، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، کتابخانه سنائی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۴. فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسایی، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۳۱.

از زمان تولدش اطلاع دقیقی نداریم اما فرصت شیرازی درباره وفات او می‌نویسد: «در سنه ۱۲۹۷ این فقیر در صحن بی‌بی دختران عبور می‌نمود. وی را دیدم بر سر قبری نشسته، در حالتی که حقّار، آن قبر را حفر می‌کرد. پس از اظهار مهربانی، فرمود این قبر را به جهت خود آماده می‌نمایم و تاریخ فوت خود را یا غفور (۱۲۹۷) دیده‌ام. پس از این مطلب، چند روز دیگر، از جهان فانی به سوی دار باقی رخت برکشید و در آن قبر مزبور مدفون شد».^۳

وی شاعر هم بود اما از سروده‌هایش جز چند قطعه، چیز بیشتری در دست نداریم.^۴ همانها هم در ضمن شرح حالش در تذکرها نقل شده و گر نه به احتمال فراوان دیوان او اصلاً جمع‌آوری نشده باشد.^۵

از سوی دیگر هر چند نوشته‌اند منعم زندگی خود را از دریافت «حق‌الکتابه» می‌گذراند اما اکنون تنها ۵ نسخه به خط او می‌شناسیم.^۶

یکی از خصوصیات منعم در کتابت نسخه‌ها، افزودن انجامة منظومی در پایان نسخه‌هایی است که کتابت می‌کرده. همه نسخه‌هایی که به خط او می‌شناسیم این خصوصیت را دارد که من متن انجامة آنها را در ضمن معرفی نسخه‌ها آورده‌ام.

۱. گلشن راز

نوشته محمود بن امین الدین شبستری (۷۳۰ق)

موجود در دانشگاه اصفهان، ش ۲۵۹.

تقدیم شده به مشیرالملک در سال ۱۲۸۵ق.^۱

→

۱. حدیقة الشعراء: ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه، سید احمد دیوان بیگی شیرازی، تصحیح و تکمیل و تحشیه عبدالحسین نوائی، تهران، زرین، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۷۳۴.

۲. همان جا.

۳. آثار العجم، محمدنصیر فرصت شیرازی، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۹۱۹-۹۲۰.

۴. به نوشته دیوان بیگی بیشتر اشعار او در مدح میرزا محمدعلی خان ناظم‌الملک بوده است. همو ۶۲ بیت از سروده‌های منعم را نقل کرده که در میان تذکرها بیشترین حجم را دارد. رک: حدیقة الشعراء: ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه، ج ۳، ص ۱۷۳۴-۱۷۳۹.

۵. علاوه بر منابع ذکر شده در این کتابها نیز از منعم یاد شده است: مرآت الفصاحة، شیخ مفید داور، مقدمه و تکمیل محمود طاووسی، شیراز، ۱۳۷۱، ص ۶۱۵-۶۱۸ (ذیل دو عنوان)؛ مجمع الفصحاء، ج ۵، ص ۹۵۴؛ ریحانة الادب، ج ۲، ص ۱۷-۱۸.

۶. حدیقة الشعراء، ج ۳، ص ۱۷۳۴.

۷. مهدی بیانی در احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳، ص ۶۲۷ تنها از یک نسخه خط منعم یعنی مثنوی موجود در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی یاد کرده است.

انجامه:

کاتبه قائله در وصف کتاب مستطاب و اوصاف بلا گزاف جناب جلالت مآب مشیرالملک
اطال الله بقاه گوید:

سخندانی سخن سنجی سخن ساز در او گلهای معنی بی‌شماره ز هر سو عندلیبی نکته‌پرداز سخن ز انجام و از آغاز گوید همی گوید که دل با مهر حق بند نمی‌گوید به ترک مردمان گوی نه آخر جایگاه حق بود دل نه حق‌جوئیست در بر خلق بستن میان جمع باش و با خدا باش نشان حق‌پرستی پاس خلق است اگر خلق خدا را شاد داری دلت از بند غم آزاد گردد خدا را در عمل بهتر توان یافت عمل کز خدمت سلطان و میر است ندانی گر طریق بنده بودن چو آصف باش اندر شغل دیوان مگو عقبی بود در ترک دینی بیاموز از مشیرالملک طاعت به کار خلق باشد رنج بردار نبستن در به روی دشمن و دوست	بیانی کرده نامش گلشن راز نهاده سرب به هم از هر کناره سرایان بر گل باغش به آواز گاهی بی‌پرده گاهی راز گوید که حق بهتر بود از خویش و پیوند که مردم‌دار می‌باید خداجوی خدا جوئی ز دلها مهر مگسل به خلوت رفتن و تنها نشستن خدا جوئی به هر دل آشنا باش نه در سجاده و تسبیح و دلق است ز قید رنج و غم آزاد داری روانت در دو عالم شاد گردد بسا کس کز عمل باغ جنان یافت برای حق چو باشد دلپذیر است توانی کی خداوندی نمودن که بندی چون سلیمان دست دیوان که از دینی توان هم یافت عقبی اگر داری به طاعت استطاعت بود این کار نیکوتر ز هر کار نکو رسمی بود وین خاصه اوست
--	---

→

۱. در دوره قاجاریه چندین تن را می‌شناسیم که با لقب مشیرالملک خوانده می‌شده‌اند. از میان آنها کسی که احتمال بیشتری دارد تا این نسخه به او تقدیم شده باشد حاج میرزا ابوالحسن خان فرزند محمدعلی مشیرالملک (۱۲۲۶-۱۳۰۳ق) است که در سال ۱۲۶۲ق وزیر فارس شد و مدت سی سال در این سمت برقرار بود. بنابراین وی در زمان کتابت نسخه یعنی سال ۱۲۸۵ق در شیراز بوده است. رک: القاب رجال دوره قاجاریه، کریم سلیمانی، تهران، نی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۵۲.

به وقت جود بحر بیکنار است
 دهد خواهنده را پیش از تقاضا
 نوازد از کرم بیمایگان را
 چو از تعمیر دلها دل پرداخت
 مگر یک دم برآساید روانی
 نشانده بس درخت سایه افکن
 فزونتر ز آن درختان ثمردار
 عدو را نیز از باغش نصیب است
 همان ویرانه‌ها آباد دارد
 به زرعش دل کشد پیوسته از این
 ره و رسم جوانمردی همین است
 به جز اینها بود چندین خصالش
 وفا را طالبی بگذر به سویش
 به وصفش هر چه گفتم راست گفتم
 به صدق قول من صابر^۱ گواه است
 کس از منکر بود زین گفتگویم
 که سرافکنده دارم پیش جمعی
 شب عید است و هر کس را نیازی
 نیاز منعم ما گوهری چند
 امیدم کز عنایت دریذیرد

به گاه حلم کوه استوار است
 دهد خواهنده را پیش از تقاضا
 همان خویشان و هم همسایگان را
 رباط و مسجد و تالابها ساخت
 شود آسوده خاطر خسته جانی
 که اندر سایه‌اش گیرند مسکن
 به کام دوستان بیرنج و تیمار
 نه تنها میوه‌اش قسم حیب است
 گروهی را ازین ره شاد دارد
 که باشد حاصلش وقف مساکین
 اگر شاه از گدای رهنشین است
 که در هر یک نباشد کس همالش
 حیا را شایقی بنگر به رویش
 که خود دیدم نه از غیری شنفتم
 که هم از اهل دل هم ز اهل راه است
 بگو مردانه گوید روبرویم
 زبان برم به تیزی همچو شمعش
 بود در کف پی مردم نوازی
 بود گر لایق بزم خداوند
 اگر چه کم بود او کم نگیرد

عناوین معمولاً به شنگرف و کمتر به لاجورد و زنگار درون کتیبه‌های حل کاری طلا، متن عناوین پیش از آن که داخل این کتیبه‌ها نوشته شود به خطی ریز در حاشیه صفحات نوشته شده بود. کار طلایی‌سازی این کتیبه‌ها چندان با دقت انجام نشده است. صفحه اول سرلوح مذهب و مرصع با کتیبه‌ای کوچک که نام کتاب به شنگرف داخل آن نوشته شده است. همه صفحات مجداول به چند لایه جدول طلا و شنگرف و مشکی، با کمنداندازی، فاصله بین ستون اشعار جدول زرین محرر، آغاز و انجام نسخه مهر ژلاتینی کتابخانه دکتر

۱. اشاره به همشهری شاعرش، مهدی بن محمد صابر شیرازی (بعد از ۱۲۸۹ق) دارد. رک: فرهنگ سخنوران، ج ۲، ص ۵۳۳-۵۳۴.

نسخه‌ای نفیس از مثنوی از شیراز سده سیزدهم / سید محمدحسین حکیم / ۴۳۳

کارو میناسیان در اصفهان به انگلیسی، پشت برگ آخر نسخه کسی نام کتاب و کاتب را نوشته است: «گلشن راز به خط میرزای منعم به تاریخ شهر ذی‌حجه ۱۲۸۵ به رسم هدیه داده» (این یادداشت بدون امضا به خط مشیرالملک است که نسخه برای او کتابت شده). رکابه‌دار.

۴۴ برگ، ۱۴ سطر، ۱۴*۲۱/۵ سم.

جلد: میثن سرخ، با دو جدول طلایی، یکی ساده و دیگری زنجیره‌دار.^۱

۲. چهار مقاله

نوشته احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی (زنده در ۵۴۷ق)

موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۷۰۸.

تقدیم شده به طهماسب میرزا مؤیدالدوله (۱۲۹۷ق) که بین سالهای ۱۲۶۹-۱۲۷۵ق به مدت شش سال و مجدداً ۱۲۷۷-۱۲۸۵ق حاکم فارس بود^۲ و این نسخه با آن که تاریخ کتابت ندارد اما باید در اوایل دوران دوم امارت او کتابت شده است. چه کاتب در ابیاتی به این موضوع تصریح می‌کند:

مصلحت را اگر دو روزی شاه	خواند از آن جانبش شگفت مدار
خواست تا قدر او فزون دانند	رو بدان سو کند چو دیگر بار
یا که دلگیر یافت ز آن ملکش	خواستش بهتری دهد ز دیار

متن کتاب در صفحه ۱۷۷ به پایان می‌رسد و پس از آن دو افزودگی از کاتب در مدح مؤیدالدوله دارد: یکی ترکیب‌بندی از او (ص ۱۷۹-۱۸۵) با مطلع:

یغمای صبر و تاب ز دلها چه می‌کنی کشور بود از آن تو یغما چه می‌کنی
و دیگری قصیده‌ای که حکم انجامه کاتب را دارد (ص ۱۸۶-۱۹۰) و همانند دیگر نسخه‌هایی که منعم کتابت کرده در پایان نسخه نوشته شده است:

۱. معرفی مختصر این نسخه را در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، دانشگاه اصفهان با مشارکت مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۹۵-۱۹۶ می‌توان دید.

۲. شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، ج ۲، ص ۱۹۵-۲۰۰؛ القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب، ص ۳۵۵-۳۵۶.

در تذکره مدایح معتمدیه که گردآوری شمس المعالی اسحاق بن احمد نیریزی است و شامل سروده‌های او و دیگران در ستایش شاهزاده مؤیدالدوله، نیز اشعاری از منعم به چشم می‌خورد. برای معرفی این نسخه و دیگران سرایندگان آن رک: فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ممدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش، ج ۱۰، ص ۱۵۱۴-۱۵۱۶.

کاتبه قائله در مدح آفتاب جهانتاب اوج امارت و فرمانفرمائی شاهزاده آزاده والاتبار سرکار امیرزاده اطال الله بقاء گوید:

خوش بود باده خاصّه از کف یار	خاصه ایّام عید و فصل بهار
خاصه با لعبتبان سیمین تن	خاصه با شاهدان شیرین کار
خاصه با لحن بلبل و قمری	خاصه با بانگ بربط و زمّار
خاصه در فارس خاصه در شیراز	خاصه وقت فراغ و امن و قرار
خاصه عهد مؤیدالدوله	میر دریا نوال شیر شکار
خاصه اکنون که مژده داد سروش	کآمد از راه موکب سالار
فخر دوران امیرزاده کزوست	نخل امّید عالمی بر بار
حق فرستاد بر به ما رحمت	رحمت حق ببین و می‌بگسار
آن که هرگز ندیده چشم فلک	در سخا و سخن چنو دیّار
هم هنرمند و هم هنرپرور	هم نکوکار و هم نکوکردار
با بلندی به خاکساری جفت	با بزرگی به بردباری یار
حضرتش قبله اولوا الالباب	درگهش کعبه اولوا الابصار
بس که حاجی ز دولتش سگان	بس که ناجی ز همّتش زوّار
کیسه او و کاس درویشان	دایم این خالی است و آن سرشار
نه همین من ازو به سور قرین	نه همین من ازو به عیش دوچار
ای بسا کز عطاش کامروا	ای بسا کز سخاش برخوردار
کامکاران او فزون ز حساب	بختیاران او برون ز شمار
چون خلیل ار نهد به آتش رو	ز آب لطفش فسرده گردد نار
تربیت را به خار اگر نگرد	تا ابد شاخ گل دمد از خار
سایه گر افکند به خار ز مهر	پریها گوهری شود شهوار
نیست گر باورت یکی بنگر	عرصه گرمسیر و صفحه لار
عرصه کز تفش بسوزد مرغ	در هوایش اگر شود طیار
خطّه کاهل دوزخ از خلقش	چون بهشتی ز دوزخی بیزار
ور به عهدش اگر بدانت گذر	ور به عصرش اگر بدینت گذار
بشکفد ز آن گلت چو غنچه به باغ	واشود زین دلت چو گل به بهار

مصلحت را اگر دو روزی شاه
خواست تا قدر او فزون دانند
یا که دلگیر یافت ز آن ملکش
یا ز هجران خود فگارش دید
پس این پرده هست حکمتها
باش تا آیدش ز یاری شاه
باش تا از عنایت خسرو
باش تا آیدش ز شه یرلیغ
بیخ ظلم و ستم ز ملک بکن
هر که جز بر مراد شه گردد
شاه دانا مگر نمی‌داند
نوز از برق تیغ جان سوزش
نوز از سهم تیر دل‌دوشش
نوز از بیم آتش قهرش
به مصاف عدو ز جولانش
زهره پردلان ز بس که درید
لای آن بحر گشت چون زرداب
آنچه او کرد در دو مه کم و بیش
نکند کس به سالهای دراز
افتخار است ملک ایران را
سرشمار است بر عرب ز عجم
ای به عهد تو شهرها آباد
با ولای تو سختها آسان
نه عجب گر به دوستی خیزد
نه شگفت ار به راستی پوید
در زمان تو غیر زلف بتان

خواند از آن جانبش شگفت مدار
رو بدان سو کند چو دیگر بار
خواستش بهتری دهد ز دیار^۱
خواست شادش نماید از دیدار
باش تا پرده برفتد از کار
تحفه از روم و هدیه از بلغار
باج گیرد ز خلّخ و فرخار
که چنان کت هواست دست برآر
تخم عدل و کرم ز مهر بکار
گر همه چرخ ازو برآر دمار
که چو او نیست هیچ ملک مدار
خیزد از بحر جای موج شرار
میکنند خصم کینه‌توز فرار
ماهیان را در آب نیست قرار
به فلک می‌رود هنوز غبار
آبگون دهره‌اش در آن پیکار
خاک آن دشت گشت چون زنگار
با چنان خوار مایه فوج و سوار
با دو صد دشت لشکر جرار
پس از آن گیر و دار بر امصار
بعد از آن فتح تا به روز شمار
وی به شهر تو عهدها ستوار
بی‌رضای تو سهلها دشوار
در زمان تو دشمن بدکار
در اوان تو چرخ کج رفتار
در دیار تو غیر چشم نگار

۱. بالای این کلمه کاتب به خطی ریز نوشته: نسخه بدل امصار.

نه کسی را به کس دل بیداد
 آن هم ایدون ز خوف تو در تاب
 آن هم ایدر ز بیم تو بیمار
 چون عقابیست تیر دلدوزت
 نیزهات اژدریست کژدم نیش
 نه ز خواهندهات بهم ابرو
 نه ز سائل به حاجبت آژنگ
 نه چو آنان کشان ز مفلس ننگ
 باد سیار و ثابت در حکم
 منمما غایبانه مدحت میر
 تا حضوریت نیز دست دهد
 به دعایش ز صدق دست برآر

نه دلی را به دل سر آزار
 آن هم ایدر ز بیم تو بیمار
 کآب حیوانش ریزد از منقار
 کش بود مرغ جان خصم شکار
 خنجرت کژدمیست اژدرخوار
 نه ز جویندهات نهان رخسار
 نه ز حاجب به سائل آزار
 نه چو آنان کشان ز مسکین عار
 تا زمین ثابت و فلک سیار
 نکند چون تو کس به لیل و نهار
 به دعایش ز صدق دست برآر
 کردگارش معین و خسرو یار

عناوین و عبارات عربی شنگرف، همه صفحات جدول‌کشی شده با زر و لاجورد محرر و دارای کمند، ابیات فارسی داخل کتیبه‌های زرین، همه صفحات تکره‌افشان، جزوها ۸ برگ، رکابه‌دار، ابتدای نسخه یک برگ الحاقی حاوی معرفی کتاب و کاتب به خط باستانی راد.

۹۷ برگ، ۱۹*۱۱، ۱۲ سطر، ۱۱*۶.

جلد: میشن سرخ، با دو جدول طلایی، یکی ساده و دیگری زنجیره‌دار. درون جلد کاغذ ابر و باد.^۱

۳. دیوان منوچهری

موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۷۴.

سال کتابت و مهدی الیه این نسخه مشخص نیست. ابن یوسف شیرازی در فهرست مجلس، ج ۳، ص ۳۱۵ حدس زده نسخه برای فرهاد میرزا نوشته شده باشد. اما از آن جا که عنوان قصیده و القاب ذکر شده در آن همانند نسخه پیش است به احتمال قوی حدس می‌زنم این نسخه نیز به مؤیدالدوله تقدیم شده باشد. نسخه در آستانه ورود امیرزاده به شهر فارس نوشته شده است که اگر منظور همان مؤیدالدوله باشد یکی از سالهای ۱۲۶۹ یا ۱۲۷۷ ق تاریخ کتابت آن خواهد بود.

۱. معرفی مختصر این نسخه در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ج ۱۴، ص ۳۶۵۴ آمده است.

انجامه:

کاتبه قائله در صفت کتاب و مدح گوهر کان کرامت و جوهر تیغ شهامت، مصدر جود و عطا معدن فضل و سخا، شاهزاده آزاده سرکار امیرزاده ایده الله بنصره و مد عصره گوید:

بستم کمر چو از پی تحریر این کتاب
کای همچو خط عارض خوبان خط تو خوش
بردار خامه را و بیارای نامه را
دست اگر چه نیست به فرمان و دل به جای
لیکن یکی به حکم ضرورت بگیر کلک
در کار این کتاب تکاهل روا مدار
گفتم که از کجا ز که بگشاید این گره
میری که از عطایش یک شهر کامروان
دریا دل و سحاب کف و آسمان سریر
نظمش همه بدیهه و نثرش همه بدیع
زو دوست ارجمند و عدو زار و دردمند
هر مفلسی که برد به درگاه او نیاز
در پیش شیخ و شاب ز شفقت کشیده خوان
باشد حساب در همه کارش به اتفاق
از روی تربیت به غراب ار نظر کند
ور باز را ز چشم عنایت بیفکند
از قهر اگر به بحر زند تیغ شعله خیز
وز مهر اگر به معدن گوگرد بگذرد
خنکش سبک گذر کند از اوج آسمان
از یک نظر ز روی فراست دهد تمیز
آن را که هست لایق شفقت کند نواخت
جز او که گفتنش همه بر منهج درست
کم رهروی که ره نزدش دیو در طریق
چونان ندیده ایم جوانی به رای پیر
آن گونه چشم فتنه به عهدش به خواب رفت
چرخ است اگر به دوره او سرکشی به پای

آمد مرا به گوش دل از غیب این خطاب
چون دولت وصال بتان نغز و دیرباب
کاین دفتری شگرف و کتابیست مستطاب
از رنج بیشمار وز اندوه بیحساب
کآسان تر از سؤال بود رنج اکتساب
زیرا کز این کتاب شود بر تو فتح باب
گفت از امیرزاده بزرگ فلک جناب
میری که از سخایش یک ملک کامیاب
روشن روان و خوش منش و آفتاب تاب
فعلش همه ستوده و گفتش همه صواب
چون مه ز آفتاب و چو کتان ز ماهتاب
چندان نصیب یافت که کامل شدش نصاب
بر روی خاص و عام ز رحمت گشاده باب
الا عطای او که برونست از حساب
بازی شود غراب و زند پنجه با عقاب
مسکین چنان شود که فرو ماند از غراب
گردد به قعر بحر دل ماهیان کباب
اندر نهاد آن شود آتش بدل به آب
سستار کند عنان و گران سازدش رکاب
اعمال خلق را چو ترازوی احتساب
و آن را که مستحق عقوبت کند عقاب
جز او که رفتنش همه بر جاده صواب
خاصه به عهد مهتری و دوره شباب
چندان که دیده ایم به آفاق شیخ و شاب
کش دیده باز می نشود تا ابد ز خواب
ماه است اگر به کشور او شبروی به تاب

گردون اگر به پایه شود خصم دولتش
تنها نه فخر او بود از باب و جد به جاه
ای آن‌که نیست چون تو هنرپوری به دهر
مقدار اهل فضل تو دانی که فاضلی
منعم همیشه می‌طلبید از خدا به خلق
عمری بدین طلب به سر آورد روزگار
فضل خدای بود و عنایات پادشاه
از لطف شاه و همت شهزاده باز فارس
گفتم نخست تهنیتی بایدم نمود
لیکن نبود قسم من از بخت واژگون
زان پیشتر که عزم تو این سو کشد عنان
سالی فزون بود که ز آسیب درد و غم
باری دعا چو بی‌غرض و مدح بی‌ریا
بادت همواره اختر اقبال با فروغ
آن را که مهر همچو تویی نیست در نهاد

دورانش از مجرّه به گردن نهد طناب
او هم بود به فضل و هنرفرخد و باب
هر جا هنروری بودش از تو فر و آب
آری محک شناسد مقدار زر ناب
فرماندهی بصیر و هنرسنج و ذو لباب
تا رفته رفته دعوت او گشت مستجاب
کافتاد سایه تو بدین کشور خراب
آباد گشت و مردمش از بخت کامیاب
بهر ورود موکب فیروزی انتساب
کت خدمتی کنم بسزا مدحتی صواب
پامال رنج کرد مرا دهر چون رکاب
بی‌خویش و دنگ و گیجم و سرگشته چون مصاب
با دولت حضور بود خلوت غیاب
چندان که با فروغ مه از نور آفتاب
گردد به کام زهر مذاش شراب ناب

دارای دو سرلوح مذهب و مرصع نفیس در آغاز نسخه: یکی صفحه اول که آغاز مقدمه رضا قلی هدایت بر دیوان منوچهری است با طلاندازی بین سطور و نقوش اسلیمی و خطایی نفیس در حاشیه صفحات اول و دوم. دیگری در صفحه هفت آغاز اشعار منوچهری با دو کتیبه که در اولی نام کتاب: «دیوان افصح المتکلمین» و در دومی بسمله نوشته شده است. همه صفحات جدول‌کشی شده با طلا و لاجورد محرر، کمنداندازی شده، صفحات نقره‌افشان، عناوین شنگرف و گاهی به لاجورد، لغات دشوار متن در حاشیه صفحات معنا شده‌اند. حاشیه بالایی صفحات آبخورده و آسیبدیده، یادداشتهای صفحه عنوان پاک شده است. رکابه‌دار.

یک، ۱۳۵، یک برگ، ۱۷*۱۱، ۱۲ سطر.

جلد: تیماج سرخ، با گره‌های ضربی در حاشیه.^۱

۴. مثنوی معنوی

موجود در کتابخانه اصغر مهدوی تهران، ش ۱۳، نستعلیق، ربیع الاول ۱۲۶۱ق، جلد روغنی، شامل هر شش دفتر.^۱

۱. معرفی شده در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۵۳ش، ص ۳۱۵.

نسخه‌ای نفیس از مثنوی از شیراز سده سیزدهم / سید محمدحسین حکیم / ۴۳۹

ابتدای هر دفتر سرلوح مذهب و نفیسی کشیده شده که از هر نظر شبیه سرلوحهای مثنوی کتابخانه مجلس است و نشان می‌دهد هر دو به دست یک نفر ساخته شده‌اند با این تفاوت که تزئینات نسخه مجلس دقیقتر و نفیستر است.

انجامه این نسخه چنین است: «حسب الامر سرکار عظمت مدار کیوان اقتدار، ثریا سریر برجیس دبیر، گردون رخس عمان بخش، بانی بنیان مروت و عنوان دیوان فتوت، مفخر اسلاف و مهتر اخلاف، رافع رایات مجد و کرم و دافع آیات ظلم و ستم، گوهر درج سروری اختر برج مهتری، فخر زمان و کشف امان، ذخیره روزگار و مظهر لطف کردگار، سرکار صاحب.... (نام او پاک شده است)

چرخ علی محیط کرم کان معدلت ابر سخا جهان هنر منبع وقار
روی هدی و بازوی اسلام و پشت دین صدر کرام و فخر جهان ملجا کبار
لا زالت اظلال الطافه علی رؤس الانام و اذیال اعطافه علی الخواص والعوام این کتاب
مثنوی مولوی رحمه الله اختتام پذیرفت. کاتبه منعم فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۱».

آقا لطفعلی صورتگر شیرازی

درباره زندگی این تصویرگر نامی و برجسته سده سیزدهم شیراز یک تکنگاری جامع^۲ و چند مقاله و مطلب^۳ نوشته شده است که به سختی می‌توان اطلاعاتی بر آنها افزود. مطلب تازه‌ای که در این جا ارائه می‌شود معرفی همین جلد نفیس مثنوی از آثار اوست که تاکنون شناسایی نشده بود.

آقا لطفعلی (۱۲۸۸ق) پرکار بود و هم اکنون نقاشیهای متعدد آبرنگ و رنگ و روغن و سیاه قلم و نقاشی دیواری از او در دست داریم. علاوه بر اینها به ساخت آثار لاک‌ی اعم از جلد و قلمدان و قاب آیینیه علاقه داشت و آثار متعددی در این هنر به یادگار نهاد. آن چه به مناسبت در این جا مورد نظر من است، جلدهای پراذینی است که او ساخته و مشخصاتشان تا آن اندازه که من یافته‌ام چنین است:

→
۱. معرفی کوتاهی از این نسخه در نشریه نسخه‌های خطی، ج ۲، ص ۹۳ آمده است. من به لطف جناب آقای سید ابراهیم اشک شیرین برای دقایقی این نسخه را از نزدیک دیدم و تصویری از آغاز وانجامش تهیه کردم.

۲. آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، گردآوری و تصاویر: جاسم غضبانپور، متن: آیدین آغداشلو، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶ش، ۵۸+۱۷۰ص.

۳. لطفعلی خان صورتگر شیرازی (نقاش گلها)، لطفعلی صورتگر، نقش و نگار، بهار ۱۳۳۴ش، س ۱، ش ۳، ص ۲۵؛ احوال و آثار نقاشان قدیم ایرانی و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، محمدعلی کریم زاده تبریزی، لندن، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۵۶۱-۵۶۸؛ کارهای لاک‌ی، جولیان رابی، سودابه رفیعی سخایی، تهران، کارنگ، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵۵-۱۶۳.

۱. جلد قرآن، به خط وصال شیرازی، مورخ ۱۲۵۷ ق.^۱
 ۲. جلد قرآن، مجموعه ناصر خلیلی در لندن، مورخ ۱۲۶۹ ق.^۲
 ۳. جلد قرآن، کتابخانه ملک، ش ۴۸، مورخ ۱۲۷۱ ق.^۳
 ۴. جلد قرآن، کاخ گلستان، ش ۶۵۴، مورخ ۱۲۷۴ ق حسب الامر نظام الملک.^۴
 ۵. جلد مرقع، کاخ گلستان، ش ۱۵۳۰، مورخ رمضان ۱۲۷۶ ق.^۵
 ۶. جلد قرآن، کاخ گلستان، ش ۶۵۵، کتابت شده در سال ۱۲۷۷ ق برای ناصرالدین شاه قاجار.^۶
 ۷. جلد مثنوی، به خط محمداسماعیل توحید شیرازی پسر وصال در ۱۲۸۱ ق، کتابخانه ملی، ش ۱۲۶۸ / ف.^۷
 ۸. جلد مرقع، کتابخانه اصغر مهدوی، ش ۶۶۳، بدون تاریخ.^۸
 ۹. جلد مرقع، موزه هنر مشکین فام شیراز.^۹
- در دفاتر ثبت کتابخانه مجلس احتمال داده‌اند جلد نسخه شماره ۱۳۲۴۷ و تذهیبات آن نیز کار آقا لطفعلی باشد اما من در بازدید نسخه رقمی در آن ندیدم.^{۱۰}
-
۱. احوال و آثار نقاشان قدیم ایرانی و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، ص ۵۶۶. در این منبع به محل نگهداری نسخه اشاره‌ای نشده است.
 ۲. کارهای لاکی، ص ۱۵۵-۱۵۷؛ گرایش به غرب (در هنر قاجار، عثمانی و هند)، جولیان رابی، پیام بهتاش، تهران، کارنگ، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۲. نکته قابل توجه درباره این جلد آن است که احتمالاً تاریخ ساخت جلد پیش از کتابت نسخه است. متن این قرآن که به خط وصال شیرازی نوشته شده تاریخ ندارد اما ترجمه بین سطور فارسی و یادداشتهای تفسیری حاشیه آن - به خط پسر وصال یعنی محمود حکیم - تاریخ اتمام ۲۵ شعبان ۱۲۷۲ ق دارد. احتمال دیگر آن است که بگویم فارسی نویسیهای این نسخه پس از تجلید به آن اضافه شده که این حالت هم غریبتر از احتمال پیش نیست.
 - همچنین چندین قاب آئینه و قلمدان لاکی دیگر از لطفعلی شیرازی در مجموعه ناصر خلیلی نگهداری می‌شود. برای توصیف آنها رک: کارهای لاکی، ص ۱۵۵-۱۶۳.
 ۳. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۵۲ ش، ص ۹؛ گلشن: منتخب جلد‌های لاکی کتابخانه و موزه ملی ملک، تهران، مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۴-۱۵.
 ۴. فهرست قرآنهاى خطی کتابخانه سلطنتی، بدری آتابای، تهران، ۱۳۵۱ ش، ص ۳۲-۳۶.
 ۵. فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، بدری آتابای، تهران، ۱۳۵۳ ش، ص ۲۶۸.
 ۶. فهرست قرآنهاى خطی کتابخانه سلطنتی، ص ۳۷-۴۰.
 ۷. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، سید عبدالله انوار، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۱ ش، ج ۳، ص ۳۳۱-۳۳۲.
 ۸. نشریه نسخه‌های خطی، ج ۲، ص ۱۳۰.
 ۹. موزه هنر مشکین فام: اولین موزه خصوصی هنرهای تجسمی در ایران، غلامرضا وطن دوست و حسن مشکین فام، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۸۹ ش، ص ۷۳.
 ۱۰. این نسخه مرقعی شامل ۳۴ قطعه شکسته نستعلیق به خط درویش عبدالمجید طالقانی است.

نسخه‌ای نفیس از مثنوی از شیراز سده سیزدهم / سید محمدحسین حکیم / ۴۴۱

نسخه مثنوی کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه به شماره ۲۱۱۲۷ در مخزن نسخ خطی کتابخانه نگهداری می‌شود و به خط نستعلیق ممتاز منعم کتابت شده است. وی نسخه را برای شاهزاده عبدالباقی کتابت کرده و در پایان (برگ ۳۰۰ پ) منظومه کوتاهی به عنوان انجامه نسخه نوشته است. از این بیت انجامه:

نون‌هال گلشن طهماسبی با روان و دانش جاماسبی
بر می‌آید که این عبدالباقی^۱ فرزند طهماسب میرزا مؤیدالدوله (۱۲۹۷ق) است که منعم دو نسخه دیگر هم به نام او استنساخ کرده است.
انجامه

کاتبه قائله در صفت کتاب و مدح آفتاب جهانتاب اوج سلطنت و فرمانفرمائی شاهزاده آزاده والا تبار سرکار امیرزاده اید الله بنصره و مد عصره گوید:

کنز اسرار است یکسر مثنوی	هر چه می‌خواهی بجو در مثنوی
شرح اخبار است و فرقان مبین	سرگذشت انبیا و مرسلین
درج در هر حرف آن صد گونه راز	رازهای دلفریب دلنواز
مرغزاری خرم و نغز و کش است	ابتدا تا انتهایش دلکش است
صورتش همچون صدف معنیش در	چون صدف از در معنی هست پر
هر که او را سوی معنی راه نیست	از رموز مثنوی آگاه نیست
تا بخواهی اندرو گوهر بود	لیک از تنگ خسان مضمر بود
آن که ز انسانی نباشد بهره‌اش	هست یکسان گوهر و خرمهره‌اش
هر متاعی را کسی شد مشتری	مشتری جوهر آمد جوهری
جوهری امروز نبود هیچ کس	ور بود شهزاده‌اش دانیم و بس
آن که او یکتا به نیک اخلاقی است	حضرت شهزاده عبدالباقی است
نون‌هال گلشن طهماسبی	با روان و دانش جاماسبی
هم امیران را گه حاجت نصیر	هم فقیران را به حاجت دستگیر
بهره‌ور زو بانوا و بینوا	هم گدا خوشنود ازو هم پادشا

۱. هنگامی که مؤیدالدوله برای بار دوم حکم حکومت فارس را دریافت کرد، پیشاپیش همین پسرش - عبدالباقی میرزا - را در اواسط ربیع الاول ۱۲۷۷ق به عنوان نایب الایاله به شیراز فرستاد و پس از چندی او را به حکومت بوشهر و دشتی و دشتستان و گله‌دار و اسیر و علاء مرودشت و بندر کنگان و بندر عسلویه گماشت. رک: فارس در عصر قاجار، حسن امداد، شیراز، انتشارات نوید شیراز، ص ۲۴۷.

ریزه‌خوار خوان او خرد و بزرگ	لقمه‌چین نان او تاجیک و ترک
هست از خواهنده‌اش کمتر ملال	زان که بخشد بیشتر پیش از سوال
بیدلان را دلنوازیها کند	بیدلان را دلنوازیها کند
رافت و رحمت وفا انصاف و جود	از دل و دست وی آمد در وجود
زان یکی سرمایه نام نکوست	نیکبخت آن کس که این هر پنج ازوست
اندکی گفتم ز وصف آن کریم	زان که ترسیدم شود دفتر حجیم
در ثنائش جای دیگر دم زنیم	حرفی از مدحش ز بیش و کم زنیم
زیب خط منعم آمد مدح او	لاجرم باشد به هر چشمی نکو
تا جهان باقی بود دلشاد باد	خاطرش از بند غم آزاد باد

تزئینات

دو صفحه آغاز هر دفتر مثنوی تمام تذهیب مذهب مرصع نفیس و پرکار است. طرح اصلی همه این تزئینات در کل یکی است اما نقوش و طرحهای آن در جزئیات تفاوت‌هایی دارند:

دارای سرلوح زمینه لاجورد و دو کتیبه زیر آن که یکی به بسمله مزین شده و دیگری سه بخش زمینه طلایی دارد. اطراف سرلوح هم چهار لایه حاشیه منقش دارد. هامش این صفحات منقش به نقوش اسلیمی و گل‌های خطایی. بین سطور طلااندازی شده و بین جدول‌ها ریشه‌های طلایی (برگ‌های ۳ پ - ۴ ر؛ ۴۷ پ - ۴۸ ر؛ ۹۱ پ - ۹۲ ر؛ ۱۴۸ پ - ۱۴۹ ر؛ ۱۹۲ پ - ۱۹۳ ر؛ ۲۴۳ پ - ۲۴۴ ر).^۱

همه صفحات زرافشان، جدول کشی شده با ۷ لایه رنگ‌های زر و لاجورد و شنگرف و زنگار و نیلی و زر و مشکی و کمندان‌دازی شده با شنگرف و زر. اندازه جدول‌ها ۱۲×۵/۲ سانتیمتر است. عناوین نوشته شده با قلم‌های قرمز و آبی و سبز درون خطوط مجدول زرین تحریردار، همه صفحات چهار ستونه که بین ستونها جدول‌های زر محرر کشیده شده است.

حاشیه دو صفحه مقدمه هر دفتر مثنوی سفید مانده است. متن مقدمه و حاشیه سفید آن به گونه‌ای نوشته شده که نشان می‌دهد کاتب در نظر داشته آنها را بیاراید اما در هیئت کنونی نسخه همه آنها بدون آذین باقیمانده است.

صفحات الحاقی آغاز و انجام نسخه

در آغاز نسخه ۴ برگ الحاقی با این یادداشت‌ها الصاق شده است:

۱. بین همه این صفحات برای جلوگیری از سایش تصاویر ورق قرمز رنگ محافظی صحافی شده است.

نسخه‌ای نفیس از مثنوی از شیراز سده سیزدهم / سید محمدحسین حکیم / ۴۴۳

برگ ۱ ر: برچسب بزرگ کاغذی مربوط به کتابخانه فیروز و دو نمره ۲۵ و ۱۰۱ برای کتاب.

برگ ۱ پ: یادداشت تفال به مثنوی: «۱۳۴۰ شب پنجشنبه سیم ذیقعدة الحرام در فرانسه راجع به... تفال شد در جلد سیم صفحه ۳۰۹ قضیه خبر دادن خرس از مرگ خواجه آمد یادداشت شد».

برگ ۲ پ - ۴ ر: فهرست حکایات مثنوی.

برگ ۴ پ جدول کشی شده و مهیای کتابت، اما مطلبی در آن نوشته نشده است. در پایان نیز دو صفحه سفید مانده که یکی از آنها جدول کشی شده است.

حاشیه‌ها:

کاتب کلمات دشوار متن را در هامش صفحات معنا کرده است. البته یادداشتهای او گاهی رنگ شرح و توضیح ابیات را نیز به خود می‌گیرد و او از توضیح آیه‌ای یا نقل حدیثی در صورت لزوم دریغ نمی‌ورزد. همه این حواشی با خطوط زر پوشیده و شکل سازی شده است. کاتب به هنگام کتابت، متفنانانه به ایجاد این شکلها دست یازیده و سعی کرده از این راه در هر صفحه از کتاب تنوع بصری ایجاد کند که می‌باید گفت در این کار موفق هم بوده است. اگر چه طرح اولیه و دستمایه‌های کاتب برای این کار چندان زیاد نبوده اما او سعی کرده تکرار در این شکلها کمتر راه یابد.

کلمات اصلی معنا شده با رنگهای شنگرف و سبز و آبی نوشته شده‌اند و توضیحات با مرکب سیاه است. همچنین این کلمات پیش از آن که به صورت کنونی نوشته شوند با خطی ریز در لبه صفحات نوشته شده بودند که بعضی از آنها در برش و صحافی اوراق ناقص شده‌اند.

سایر خصوصیات

دارای برگ شمار در گوشه بالایی صفحات بدین صورت که شماره هر دفتر مثنوی در گوشه سمت راست و شماره برگ در گوشه سمت چپ رو به روی آن نوشته شده است. برگهای هر دفتر هم به صورت جداگانه و از آغاز شمارش شده‌اند. سطراندازی با مسطر که آثار آن در بعضی از صفحات سفید مانده بین دفترها و آغاز و انجام نسخه مشهود است. جزوها ۸ برگی. رکابه‌ها تا برگ هشتم در جدول وسط صفحه نوشته شده‌اند.

جلد

جلد روغنی نفیس پرکار دورو، اثر آقا لطفعلی شیرازی که در پایین طبله دوم جلد با قلم زر چنین امضا کرده است: «عمل کمترین لطف علی شیرازی».

رو: وسط زمینه قهوه‌ای مرغشی با یک گل صدپر بزرگ در وسط و چندین گل نسترن و میخک و کوکب در اطراف آن به همراه دو مرغ و یک پروانه. گوشه‌دار که با نوار باریکی چهار گوشه در چهار طرف به هم وصل شده‌اند. این گوشه‌ها زرین است اما با رنگ سبز اشکالی از آن به صورت شاخص درآمده است.

حاشیه دارای ۶ کتیبه قلمدانی زمینه سرخ در بالا و پایین و اطراف که وسط هر کدام یک گل میخک شاخص و در دو طرفش دو گل کوب و نسترن کشیده شده است. برگها و بوته‌ها هم با خطوط اسلیمی بین این گلها و گلهای کوچکتر وصل شده‌اند. بین متن و حاشیه و در لبه جلد دو ردیف جدول با گل و بوته‌های زرین اسلیمی کوچک در زمینه مشکی.

درون چند شاخه گل زنیق در زمینه سرخ با دو ردیف جدول زرین. عطف تیماج سرخ با برجسب کاغذی مربوط به کتابخانه فیروز و شماره کتاب در آن جا: «۱ ب؛ نمره ۲۰».

کل نسخه: ۳۰۳ برگ. هر صفحه ۲۵ سطر.

اندازه جلد: ۱۹/۱*۲۹/۴.

قطر: ۳/۷.

این نسخه پیشتر جزو مجموعه مهندس بهرام بیانی بود تا آن که در فروردین ۱۳۹۰ ش به همراه تعدادی قطعه خوشنویسی و تابلوی نقاشی و جلد لاک‌ی و معرق و قلمدان و قاب آئینه و جعبه جواهر به کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتقل شد. شماره ثبت: ۳۷۳۷۳۲.

زیرنویس تصاویر

گلشن راز، دانشگاه اصفهان، ش ۲۵۹، صفحه اول.

۱. همان نسخه، صفحه آغاز انجامه کاتب.

۲. همان نسخه، صفحه آخر.

۳. چهار مقاله، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۷۰۸، صفحه اول.

۴. همان نسخه، صفحه آخر متن.

۵. همان نسخه، صفحه آغاز انجامه کاتب.

۶. همان نسخه، صفحه آخر.

۷. دیوان منوچهری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۰۷۴، صفحه آغاز مقدمه.

۸. همان نسخه، صفحه دوم مقدمه.

۹. همان نسخه، صفحه آغاز دیوان.

۱۰. همان نسخه، صفحه آغاز انجامه کاتب.

۱۱. مثنوی، کتابخانه اصغر مهدوی تهران، ش ۱۳، صفحه آغاز.

۱۲. همان نسخه، صفحه خاتمه.

۱۳. مثنوی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲۱۱۲۷، صفحه اول.

۱۴. همان نسخه، صفحه دوم.

۱۵. همان نسخه، صفحه خاتمه.

۱۶. همان نسخه، روی جلد.

۱۷. همان نسخه، پشت جلد با امضای آقا لطفعلی شیرازی.









